

قیمت نام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

حسینی مشکان

زن ایرانی، وجه المصالحه رژیم

به معروف و گشت ناله و آوازه آن از دولت حقوق می گیرند و نقش پلیس مذهبی را ایفا میکنند یک چندا زبانه گیری و اها نت و آزا ر نسبت به خانم ها کاسته بودند ولی دوباره ها رسیده اند و بر شدت عمل خود افزوده اند. آن ها در کوچ و خیابان ، خانمهایی را که آتوموبیل می رانند یا سرو وضع مرتبی دارند متوقف می کنند و از فرق سر تا ناخن پا و روی لباس و زین لباس را میکا وند و به هر بهایی با زدا شتقا ن می کنند و توسط مینی بوس های که خیرا "اردکار" شده اند به اردوگاه می فرستند. خصوصیت با زن ها در رژیم خمینی جدا نه تا زگی نندارد. این رژیم یک رژیم واپسگراست که با آنچه مردم ایران در عصر تجدید به دست آورده اند مخالفت بنیادی دارد.

بقیه در صفحه ۱۲

سعید رضوانی

وحدت استقامت

عبید میگوید یکی به شکار شیر میرفت، نعره میزد و تیز میداد. گفتند چرا نعره میزنی؟ گفت برای آنکه شیر ترسد. گفتند چرا تیز میدهی؟ گفت برای اینکه خودتیز ترسم! مطالبی را که بزرگان جمهوری اسلامی در باره امکان مداخله مستقیم آمریکا در خلیج فارس اظهار میکنند اگر به دست مرور کنند می بینید عینا "حکایت آن شکارچی است. از یک طرف عربده میکشند، از طرف دیگر ترس می کنند. از آن طرف می گویند آمریکا "بلوف" میزند و تهدیدهایش را بنیاد جدی گرفت. از این طرف میترسند ما را آمریکا نمی کند. "جدی بگویند و خیالی درس داده باشند. حجت الاسلام رفسنجانی که دنیا ی خا رج پیام های سیاسی رژیم را غالباً از زبان او در یافت می کنند در معاصره میگوید:

بقیه در صفحه ۳

صادق دادا پور

شیفته تمدن و

فرهنگ و ملیت ایران

در صفحه ۶

هادی پیراد

موج خمینی گری

شیرازه ی زندگی ملت را از هم پاشیده ولی مها خود را به راهی دیگرا ن بسته است. نگارنده نه در اندیشه ی نفی مطلق این نظرونه هم راهی آن جماعت خاص "سیاست شناس" است که خمینی را به اتهام "هندی زادگی" از محصولات ساحل تایمز و خمینی گرایی را سدی برای جلوگیری از "خروج غول دوم" آسیا میشمارند.

بقیه در صفحه ۲

از یاد تو ایران

الهیته قتلها برای حزبها

برای علی اکبر محتشمی وزیر کفشدور جمهوری اسلامی، شهروندان ایرانی به دو مقوله اساسی تقسیم می شوند: حزب الهی های مومن به انقلاب، مردمی که به اصول انقلاب اسلامی اعتقاد دارند. مقوله نخست، یعنی حزب الهی های مؤمن، در بنیانها نون قرار دارند و از امنیت برخوردارند، حال آنکه مقوله دوم، یعنی مردم عادی، نه تنها از موهبت امنیت برخوردار نیستند، بلکه هر بار که مصلحت رژیم تهران اقتضا کرد، در معرض خشونت حزب الهی نیز قرار می گیرند. در جمهوری اسلامی حزب الهی می تواند بدون اجازه قبلی به نظرات خیا بانی بپردازد و مطمئن است که وزارت کشور، پس از زیر گذاری نظرات، اجازه آن را ما در خوا هد کرد.

بقیه در صفحه ۲

دوست ما، رخشا، که در سفر بود، تلفنگرام زیر را، بعنوان شوخی سیزده نوپز، برای ما فرستاده بود. ولی بعلمت انتخاب کوچکی در گذشته با ده هفته تاخیر دست ما رسید.

تلفنگرام

بجای پیشگفتار

جمعی از زندوان جنازه از گل پوشیده ای را بطرف تل هیز می میرند و هم صدا میخوانند:

جانا ما نا پرادا، که می مرتا هه، کجا جی ها هه...

ناگهان جمعیتی از مسلمین بر آنها هجوم میبرند، گلها را لگدمال می کنند، جنازه را می قاپند و نوحه خوانان، بطرف گورستان میبرند. به عزت و شرف لا اله الا الله محمد است رسول و علی ولی الله

بقیه در صفحه ۸

افشای راز رژیم "نه شرقی و نه غربی" آیت الله و رسوائی عالمگیر معاشقه با شیطان و "عاصیین قدس عزیز" به بسیاری از تردیدها و عجبها پایان داد. کدام تردیدها و کدام عجبها؟ گروهی حتی از مخالفان رژیم - ظاهرا - به علت نگاه بر سطح حوادث - برایین باور بودند که حکومت آیت الله اگر چه از بربریت و ودالت تا ارتجاع و فساد هیچ کم نبرد و وجود نمایب های بی سابقه ای ارائه داده است ولی لاقلمی توان بیش بینی کرد تا زمانی که پای پیر مرد در میان است و حرف آخر با اوست، به راهی خود میبرند و چشم به چراغ سبز دیگران ندوخته است. عصاره و خلاصه نظرات این بود که خمینی، شخصا "با همه ی زشتیها، عنصر و استسهای نیست و از آنجا که افسار را دوستی سپیده است و به احدی حواله نمی کند، تا نفسی بالامی دهد، رژیم را علی رغم تیره های رنگارنگ تا متجانس نشد، بدنبال می کشد و از چسبندگی به این یا آن مانع میشود. به انزوی رژیم که "گویا خود نشانه ای از وحدت و نظرا ستثنائی قدرت ها است" و نیز به واقعه ی گروگان گیری و اوچتلیبیغات فدا مریکائی و آنگاه سرکوب توده های ولویا استفاده از اطلاعات "سیا"، استناد میکردند. فروش سیل و اسلحه و قراردادهای بی دربی با کمپانیهای غربی و دولت های شرقی را می دیدند و این همه را به حساب سودجویی از مال بی صاحب و در عین حال تلاشی برای خالسی کردن کیسه ی رژیم می نوشتند و نتیجه می گرفتند که حکومت آخوندها در سایه قدرت مطلق پیر مرد - هر چه نداد و دو اگر چه سخت دیوانگی می کند، از استقلال راهی بی نصیب نیست.

درست است که مملکت را بروسیا کشیده و

معرفی کتاب

مشرف آلب خروا همیش

مذاکرات شورای فرماندهان ارتش

(دی - بهمن ۱۳۵۷)

در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

بلکه بر این عقیده است که اصولاً طرح موضوع با برداشتن ششای چنین موری و بی‌تکاء - به نتیجه‌ای با ارزش و قابل اعتنا نمی‌منتهی نخواهد شد. مسئله را از نقطه‌ی دیگری با دیدن بنیاد کرد. بجای توسل به حدیثات و خیالاتی که وقتی هم هیئت‌رأه به قبایل سر پیوند زده است، راه منطقی این است که ابتدا تشخیص دهیم رژیم محصول آیت‌الله در ارتباط با ما مفاهیم سیاسی و اقتصادی این روزگار، چگونه معجونی است؟

با یدن نخست‌داده‌ی کرده‌آنها آنچه بصورت نوعی فتوای لیس‌حکومتی در ایران با گرفته است، زیر عنوان یک "رژیم" و یا یک "نظام" جا می‌گیرد و حتی با خصوصیات یک (حکومت) بنا برضا بطنه‌های شناخته شده، تطبیق داده‌اند؟

با دستیابی به جواب این سؤال است که آگاهی به جوهر "رژیم" در خط معانی "وابستگی و عدم وابستگی" و یا "استقلال رای" و عدم استقلال رای" میسر خواهد شد. در این جهت فکری است که متوجه می‌شویم: حتی اگر بپذیریم که هستی پدید آمده‌ی نمی‌شود و یا یک پله بالاتر اگر تقاضای آخوندهای معاندگرو شخص خمینی در لایوهای ما چراها به دلایل فریبنده‌ای بسته‌بود، با زهم‌جکایت از "استقلال و یا عدم استقلال رای" در حق "رژیمی" که در حال ابتدائی ترین مسائل مملکت فرومانده است، به تحقیق عمیق تری نیاز داشت. هیچ دورا ز ذهن نیست که خمینی غرق در دنیا ی که نه و معتقدات پیوسته‌ی خود، سالهای دراز با ورداشته است که به زیور و درن قدرتها، با تیغ "شریعت الهی" و میسر است.

خمینی بخود دروغ نمی‌گفت و یا بقیین معتقد بود که روزگاری "نظامیان اسلام" شمت نغزنان به شمت هزا رلشکرومی‌حمله کرده و آنها را درهم شکسته‌اند. (۱)

خمینی بر اساس آنچه سالها در رواق‌های تاریک فیضیه‌ها درس گرفته و درس داده‌بود ایمان داشت که: "اقتما دشویه خیران است."

"فرهنگ" پیرومدهیچگاه زدنمای "افسانه‌ها و خرافات" جلوتر نیامده بود. به "احضار ارواح" و قدرت فاشه‌ی اجنه و "کشف مغیبات از راه نوم مغناطیسی" (۲) با ورداشت و قطعا "هنوز هم با ورداست" با قاطعیت می‌گفت و می‌نوشت: "اگر رفتن سنگ به زیارت مشهد دروغ باشد، ما رفتن عمای موسی هم دروغ است" (۳)

فرهنگ و به اصطلاح صحیح‌تر "نا فرهنگ" خمینی را با یدبجای سرکردن در خیالات "سیاست‌گونه" در اطلوآرا و جست و به نتیجه‌گیری نشست که در دنیا ی معجزات علم، فرماندهی "رژیمی" که بسرا این لکظلات پشت داده است ولو بنا را بسا قلدوری و دیوانگی وزیر پانگذاشتن ضابطه‌های زندگی امروزه آغا ز کند، دیر یا زود به زبونی و زوال و در یوزگی کشیده خواهد شد.

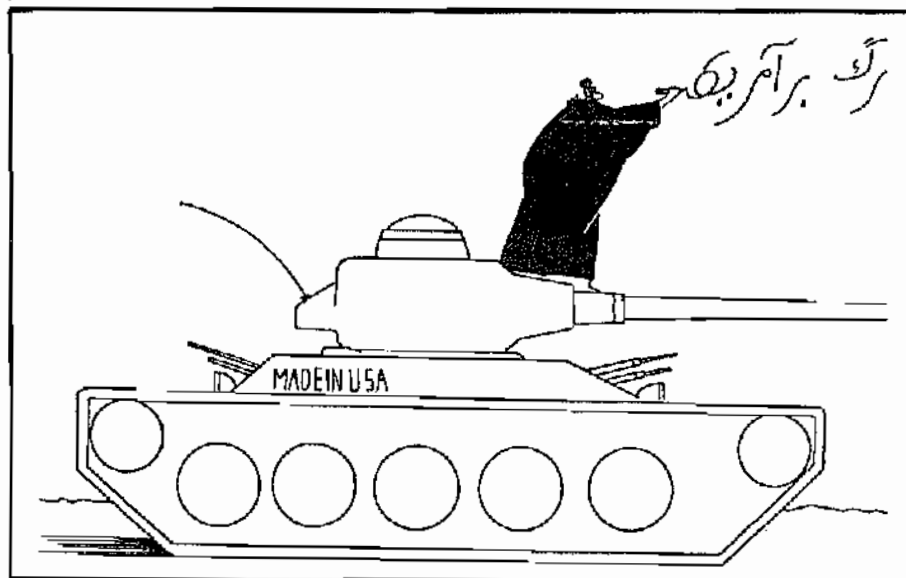
یکی از روشن ترین تحلیل‌ها در باره‌ی خمینی را حسین هیکل در پی‌ی یک مباحثه‌ی خصوصی با پیرمرد، در همان

موج خمینی‌گری

از منافع متغیر قدرت جا می‌مبدل میشود. مسلمانان در این پیوند، از "عبدی قسی و صیغه‌ی برادری" نشانی نیست. نوعی مقاطعه و معامله درگراست و معنا پیش این است که عنایت "حامی" تا زمانی تضمین شده است که حضور "حمایت شونده" بساط دوشیدن را گرم نگا میدارد. از آن پس هیچ بهانه‌ای برای فغان و شکایت از "ست عهده" در میان نیست که هر دو سندی به قراری بسته‌و این ما جراتی

سال اول برقراری "رژیم اسلامی" در ساندی تا میزاندن اراده‌داد. روزنا مکنگ ربرجسته‌ی ممری نوشته بود:

"خمینی مردی است در تعلق ۱۴ قرن پیش که با شتاب یک گلوله به قرن بیستم اصابت کرده است و بنا بر این بحران‌ی که به او نسبت میدهند، جز این نیست که این گلوله در سراسر او خدجه و پیرا نیها بسا رخا هداورد.



است که فهم آن، به حکم تجربه‌ی مخصوص برای ما مردم آسان است و اما نکته‌ی اساسی این است که در این معامله نقش ملت‌ها جای خود را تثبیت کرده است. حوادث روزگار شهادت میدهند که "قسان"ی و سلطه‌گری به شیوه‌های قرن نوزدهمی به مخمصه افتاده است "و بهره‌کشی به آتکاء مترسک‌ها، به آسانی دست نمی‌دهد.

فعلات این واقعت و این "اصل" راداشته با شیم تا برسیم به حکایت آقای خمینی که بی تردید روزگاری در ازبا همان ذخیره‌ی جهل و واپس‌گرایی، یقین داشت حوزه‌ی خلافت را از ایران به تمام سرزمین‌های اسلامی و از این سرزمین‌ها بر سر کرده‌ی ارض گسترش خواهد داد. این یک میانه‌و یا ادعای تبلیغی نیست، خمینی به تکرار و قاطعیت بر جهان گشایی خود اصرار داشته است:

"اسلام می‌خواهد همه کشورهای اسلامی بشوند. اسلام اگر شمشیر می‌کشد برای آن می‌کشد که مفسده‌هایی که نمی‌گذاردند جامعه اصلاح شود از زمین بیرون تا برین اصلاح شوند." (در مدرسه فیضیه، قم، ۱۱ آبان ۱۳۵۹).

"ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، زیرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ آن در تمام جهان طنین نیفتد می‌آرزو می‌دارم." (از پیام خمینی در سالگرد انقلاب، ۲۲ بهمن ۱۳۵۸).

"با ید اسلام در همه بلاد عالم پیاده کنیم و همه جا بیری اسلام را بلند کنیم" (خطاب به پادشاهان، تهران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹).

"قوانین اسلامی را خداوند جهان برای

خمینی به مسائل روزی علاقه است و اطلاعات رسمی و دولتی را با بی‌اعتنائی تمام کننا رمیا نداند، زیرا که عقیده دارد، با پیروی از حضرت علی به حقیقت مطلق راه بسته است و نیازی به آنگونه مسائل نیست. معارضه‌ای که میان گروه خمینی و پیروان او از یک طرف و معنا مرتحمیل کرده‌ی ایرانی از طرف دیگر، در گرفته است، یک مناظره بمعنای صحیح کلمه نیست، میانه‌ی است میان تاریخ و تعصب.

روشن بود ما حب چنین طرز تفکری که بنشیند بند وجودش از قلب ارتجاع و تعصب، خون می‌گیرد، هر انداز در مرداب ذهنیات خود ربوب کرده‌است، خواهنا خواه به تک‌حوادث و الزامات زمان را تا با نخواهد آورد، حتی اگر بیدار نشود، در همان عالم خواب نیز ناچار از تسلیم خواهد شد.

هیچ نیازی نیست که در ظلمات بجزخیم تا بسینیم خمینی و خمینی‌گرا نشیورگ به کجا بسته است. اقتصاد دویران و احتیاج به دشمن شیطان که جای خود دارد با ید بر این واقعت و بر این "اصل" انکار تا پذیر و تجربی تکیه کرده که: "جدا از دنیا ی ابرقدرتها - مخصوصا "درجهان سوم، دو پدید آمده (وابستگی و استبداد) به نخواستند تا پذیرد بهم‌گروه‌خورده‌اند."

رژیم‌های خودکامه و تنفوت نمی‌کنند خواه متجدد نما و خواه واپس‌گرا (چسون از تکیه‌گا مردمی و "ملی" محرومندنا چار به سببان قدرتی بنا می‌برند و جیرا" به همان نسبت که از مردم فاصله می‌گیرند و حاکمیت را به شاخ زور می‌بندند، در وابستگی غوطه‌می خوردند و به مرحله‌ای می‌رسند که نبودنشان به تا بی‌مطلق

همیشه فرستاده و برای همدی اقوام بشر نازل کرده است. دین اسلام تمام قوا نیست دیگر عا لم را که از مغزهای سفلی مشتی بی‌خرد در آمده، باطل کرده است و هیچ قانون دیگری را در جهان قانون نمی‌داند." (کشف الاسرار، صفحه ۲۹۲).

خمینی مسلما "با اعتقاد تمام موبسا این اندوخته‌ی ذهنی بر راه افتادنا "نخستین حکومت الله" را به کرده‌ی "نه شرقی و نه غربی" یا به بریزد و ما روشن است که پیر مردمدتها است در زیر پتک و اقعیت‌ها سرا سیمه ز خواب جسته است. از است پکده نشانی نیست، از مستضعف گرسنه و عاصی، ما به‌ای که بکا رخلافت بسا ید نمی رسد، پس چه کند اگر پیش از پیش ریسمان اختنا ق را نکند، نفس‌ها را نبرد، قلم‌ها را نشکند و هر نا له‌ای را با رکیبا رگلولسه جواب ندهد؟

یک زمان با فریب و وعده‌جماعتی را کرم میداشت و حالا تنها بنف و نفرت می‌آید. تنها یک پا یگا همانده و آن اختنا ق کور است که به موازات عسرت و بی‌خمانی و عزا، "امت شهید پرور" را لحظه به لحظه به جدائی می‌کشد و زمین جا است که "اما مچها نخواه" چاره‌ای نمی‌بیند جز آنکه بر بیعت با شیطان گردن نهد، مگر با حمایت او، سکوی ویران شده را جبران کند. قصه‌ی آن هشت عروسک شورای اسلامی که بی‌خبر از همه جا و به شوق یا فتن‌گزکی برای کوبیدن رقیب فضولی کردند و به نغیر پیر مردمی درنگ‌خاموش شدند، خود نشانه‌ی روشنی است که "امام" از زیور بموقایع با خبر بوده و شخما "تماس با قاصدان شیطان را امضا کرده است. بسا بر این خمینی از هرجا و با هر قصدی که با زی را شروع کرد، به سبب خلست واپس‌گرایی خود و از سر بی‌اقتی و فساد و پرخوا هی و جبر و اختنا قی که در ذات او و طایفه و طریقت او رسوب کرده است، نمی‌توانست بشنود نه‌ی مردمسی را پیوسته حفظ کند و بر شعرا رتوخالی "نه شرقی و نه غربی" حتی اگر ایمان داشت باقی بماند، بر آن بود تا پوزه‌ی شیطان را بخاک بمالد، پوزه‌ی خود را در خاک قدم‌شیطان یافت، به امیرا توری جهانی و اسلامی دل بسته بود، نفرت جهانی را برانگیخت و دامن مسلمانان را لکه دار کرد.

نما در مسجد الاقصی را از طریق کربلا زده میداد، به معنا بیت و سلحه‌ی حاکمان "قدس" نیا زمند شد.

تمیز" و وابستگی" و "عدم وابستگی" را به جای غوطه خوردن در او هام و افسانه‌ها در این راستا می‌توان و با یددشبال کرد.

"رژیمی" که تصرف دنیا را بشارت میداد، خالادرتقلا ست بلکه در چرخ‌دنده‌ی اراده‌ی قدرت‌ها و لو بقدر مهره‌ای ناچیز جا با زکند و تا هدگویی انقراض و فروماندگی همین است، مگر چه قضاوت‌ها همه از این دست نیست، رسوائی رژیم گروهی را سخت به وحشت انداخته است، چرا که گویا خمینی در دلبری سبت گرفته و جای پای خود را محکم کرده است، گفتن ندارد که این دلهره و پژمردگی خود محصول زندگی اتکالی است و مگر نه روزگار رسا ر

تاریخ ایران

جهش سه‌سام آور تورم در ایران

از گروه خبری نهضت مقاومت ملی ایران

در شرایطی این نام‌ها می‌نویسم که غیر از بحران نظامی و رهبری و دهها مسئله جانبی دیگر در حیات مصیبت‌بار جمهوری اسلامی، بحران اقتصادی با ابعاد وسیع ترومی رحمانه ترازا سال گذشته دندان نشان می‌دهد. بحران اقتصادی تا آنجا که مربوط به نقل و انتقالات درونی رژیم است برده‌پوشی میشود اما زمانی که متحنی افزایش قیمت‌ها در بازار و جهش‌های دیوانه‌وار نشان می‌دهد دیگر مسئله‌ای نیست که بتسوان اثراتش را در کل جامعه و زندگی عامه پنهان داشته باشد. از دی ماه سال گذشته جهش‌های غیرعادی کمرشکنی در بهای شامک‌لاهای اساسی به چشم می‌خورد. به طور دقیق لایحه بودجه سال ۱۳۶۶ را مطالعه کرده و متوجه شدید که در آمد نفتی به حد قابل رسیده است. بودجه‌های عمرانی که عامل مهم تزریق پول به بازار است میل به صفر گذاشته و از آغاز سال تمام فشار دولت متوجه افزایش در آمد مسدود طریق مالیات بهره‌بانه و دست‌آویز است. از جمله دولت برای دوشیدن مصرف‌کننده بیچاره و بلا لایردن درآمد مالیاتی خود به تمام کارخانه‌های تحت پوشش ابلاغ کرده است که می‌توانند تولیدات خود را به نرخ بسیار آزاد بفروشند. بعنوان مثال تلویزیون‌ها به ارزش درگاه هشت هزار تومان به بیست و شش فروخته می‌شود. همیسی تلویزیون درگاه آزاد ۳۲۰ هزار تومان قیمت داشت. این تفاوت قیمت در تمام تولیدات دولتی و تحت پوشش بنیادهای مختلف به چشم می‌خورد. اما حال دولت به آنها اجازه داده است که بهای تولیدات خود را از رخصت تولید به قیمت بازار آزاد وصول کنند و در برابر یک سوم قیمت را مالیات بپردازند. دلایل مدور چنین مجوزی متفاوت است اما مهمترین دلیل اینست که دولت در شرایط خالی بودن صندوق ارزشانسه خود را از زیر باران ننگ زده‌دولتی که به کارخانه‌ها می‌دهد داخلی کند و آن‌ها را به سوی تهیه ارز از بازار آزاد ببرد. این تصمیم دولت همراه با افزایش بهای کارخانه‌ها می‌گردد. در انحصار است نظیر افزایش بهای مواد سوختی ز جمله بنزین و نفت تورم را به مرز ۲۰۰ درصد بیشتر رسانده است. لازم به تذکر نیست که افزایش بهای سوخت تا چنانچه در هزینه حمل و نقل و افزایش قیمت همه کارخانه‌ها موثر است و با افزایش قیمت بنزین به سرعتی شگفت‌انگیز بهای اکثر کارخانه‌ها و مواد غذایی در طول کمترین زمان سرسام‌آوری بالا رفته. دولت است به کارخانه‌ها بی‌که مواد غذایی تولید می‌کردند اعلام کرده هر قیمتی بر محصلین خویش بگذارد مهم نیست فقط باید یک سوم قیمت جدید را به عنوان مالیات بپردازند.

بقیه از صفحه ۱

امریکا برای بحران حیثیت از دست رفته خود در دنیا عرب‌ها هوی جدیدی برآه‌اند و گفته‌اند "در مورد موسکهای ساحل به دریای ما در خلیج فارس تذکراتی داده است... اگر نقدی را بیست که تفنگدارهای امریکایی طعمه نهنگ‌های خلیج فارس شوند را من فقط اینست که به خلیج فارس بیایند. ولی باید بدانند که آمریکا در تمام دنیا آسیب‌پذیر است و اگر چنین جری‌تی بکنند در همه جا برای امریکایی‌ها ناامنی بوجود خواهد آمد و حوادث لبنان هم‌جا میتوانند تفریق بیفتد... البته ما دل‌مان نمی‌خواهد چنین ساء‌ل‌های با شد و تهدید هم نمی‌کنیم اما به ملت امریکا تذکر می‌دهیم که قدری دست‌زما مدارا نشان را ببندند زیرا آنها الان تعدادل‌ها را رند و برای اینکه مسائل داخلی خودشان را تحت الشعاع قرار دهند چنین حرف‌هایی را مطرح می‌کنند... دورکن اصلی پیام سیاسی آقای رفسنجانی، بطوری که ملاحظه می‌کنید عبارتند از:

- ۱- تهدید امریکا
- ۲- استرحا ما را امریکا
- ابتدا تهدیدی کند که اگر امریکا در خلیج فارس به مداخله‌نظمی دست بزند سرپا زان طعمه ما هب‌ان دریا خواهند و تروویست‌های جمهوری اسلامی در سر جهان به منافع امریکا ضربه خواهند زد. بعد مینترسد ما از زنده زنده نش حرفی زده‌ما. حرفش را بر میگرداند و میگوید ما قصد تهدید نداریم و همه‌ما نظور که خودتان شاه‌بودید اهل معامله‌ایم پس شما هم کوتاه بیاید و ما را بشناسید!
- حجت الاسلام‌خاننده‌ای نیز در همین مقوله، ضمن مباحثی با خبرنگاران می‌گوید: "دخالت امریکا در خلیج فارس جز اینکه منافع دوستانش را در این منطقه سداید به خطر بیندازد و حیثیت جهانی خودش را لکه‌دار کند هیچ نمره‌ی برای او نخواهد داشت."
- پس حجت الاسلام‌خاننده‌ای محتاطانه‌تر است. او بی‌جای اینکه امریکا را تهدید کند

وحشت‌آخوندها

گذشت است تردید دارنده که آیا امریکا در مقام عمل نیز به روش گذشته عمل خواهد کرد یا خیر. بسیاران لیبی تجربه‌ی بود که نشان داده‌گامه موجبات مداخله‌نظمی پیش آید امریکا دست‌روی دست نخواهد گذاشت. بقینا "امریکا نه در خلیج فارس و نه در هیچ نقطه دیگری از جهان، خود را درگیر جنگ‌هایی مانند ویتنام نخواهد کرد ولی در صورتی که رژیم آیت‌الله بقصد سرپوش‌گذاشتن بر انواع ناکامی‌های داخلی و خارجی، واقعا "خبال‌حاده" سازی در خلیج فارس را داشته‌باشد آن‌گاه هیچ بعید نیست امریکا با جلب موافقت اصولی اروپا و موافقت ضمنی شوروی در بحران خلیج فارس نیز بهمان کیفیت مداخله‌کننده در بحران خلیج "سیرت" عمل کند. چنین احتمالی است که وحشت‌آخوندهای تهران را برمی‌انگیزد و در حالی که می‌خواهند امریکا را بتراشد کسبایا پیدا است که خودشان بیشتر ترسیده‌اند. ما صمیمانه امیدواریم که موجبی برای مداخله‌نظمی امریکا و هیچ قدرت دیگری در بحران خلیج فارس پیش‌نیاید چون بخوبی میدانیم که نتیجه چنین رویه‌ای برای ایران جزیک فاجعه نخواهد بود و پس از فاجعه با زهم‌سنگ جنگ‌های ایران و روس‌آخوندهای زلف‌ان نفهم آتش‌افروزان را زیر عیا می‌برند و می‌گویند چون سیاه‌لام‌حرکات شرعی‌ه نداشت و عده‌خداوندان بر سر بروزی بر کفا صورت تحقق نیافت!

رصاصی

دوستان امریکا را در منطقه تهدید میکند و به امریکایی‌ها اندرزمیده که "حیثیت جهانی" آنها بیس‌از آن ارزش‌دارد که احتمالا در خلیج فارس دست‌به‌عملی بزنند. در هر حال، این پیام نیز جز جز اولس تهدید است، جز دومش استرحا م. ابتدا تهدیدی کند که اگر امریکا در خلیج فارس مداخله‌نظمی بکنند ما تلاقی آن را مثلا "تروویست‌های امریکا و کوبیت و ما رات متحده عربی درمی‌آوریم، سپس بیس‌ان تضرع می‌گوید "لا" حرف از اعتبار و حیثیت جهانی امریکا نیست که کندی چنین اقدامی شود؟! در حقیقت، آنچه موجب می‌شود هر سران جمهوری اسلامی بر غم‌خوار شوند و عریده‌کشی و هل‌من‌ما رزگوشی، این بسیار خطا را امریکا را جدی تلقی کنند یکی تحولات ناشی از افشای ماجراهای موسوم به "ایران گیت" در سیاست خارجی امریکا است و یکی هم تجربه لیبی و اقدام مستقیم امریکا برای کوشش دادن سرهنگ قذافی. متعاقب بر ملا شدن اسرار و ارتباط بنهان تهران - اورشلیم و اشگتن، گروهی که در کار خفیه و وزارت، مورخا رجه و وزارت دفاع و سازمان سی. آی. ی. به تبعیت از نظریه اسرائیل، معتقد بودند جمهوری اسلامی را باید بتوان قدرتی تهدید کننده در منطقه نگهداشت و آن را وسیله اعمال فشار بر اعراب قرار داد اعتبار خود را از دست داده است. دولت‌سردان جمهوری اسلامی برخلاف سال‌های بیس، از سیاست امریکا و میزان نفوذ اسرائیل در میان و همکاران جدید ریگان خاطر جمع نیستند. از اینرو در حالی که بی‌گوبند حرف‌های امریکا تکرار حرف‌های

که در چند روز آینده، بدون اعلان روزنامه‌ها، بهای تلفن و تعمیرات و بسیاری از خدمات دولتی از جمله برق به دو برابر افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی که ناگهان ظرف یکماه بهای مهمترین و اساسی‌ترین کارها به دو برابر افزایش یافته محافل اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که یک تورم فوق‌العاده مهیب در بهار سال مردم را در مشت خود بجاله خواهد کرد. هم‌کنون در تمام محافل و مجالس سخن از موجودی‌گرانی است و نفرت از وضع موجود جدی با لگرفته است که برای نخستین بار حزب‌اللهی‌ها نیز در اعتراضات مردم‌شکست می‌کنند. روز یکشنبه ۱۶ فروردین عده‌ای از خانوادهدهدا به معنای توزیع مرغ کوبنی در خیابان دهکده (میکده سابق) حمله کرده و تمام موجودی را به قارت بردند. مردم کارخانه "ملا" ترفند دولت را برای افزایش بهای بنزین درک کرده‌ما جرای کوبنی کردن بنزین و بعد از آن سخن را نوعی کلاهبرداری از جانب یک حکومت اسلامی قلمداد می‌کنند و با زیر نفرتشان افزوده می‌شود. تعداد کمی که بدینما زجمع

می‌روند بخصوص از اوایل اسفند تا یک سوم تقویم یافته و این موضوع را شخما گواهی می‌کنم. در بحران افزایش قیمت ثابت ماندن حقوق کارمندان و افزایش بیگاری بر فقرو فاقه مردم افزوده است. طبق آمار نمونه‌ای که در تهران به وسیله عده‌ای از دوستان تهیه کرده‌ام از هر پنج خانسوار دو خانوار طی شش ماه اخیر یک وعده غذایی خود را حذف کرده‌اند، دو خانوار نیز در تمام زمینه‌ها به صرفه‌جویی کامل دست زده‌اند و اینهمه افزایش قیمت‌ها و کسادگی بازار را روبرو زوهای تلخ‌تری می‌دهد. در این میان دولت به هیچ رو قادر به انجام تعهدات خود نیست. چند مورد را به اطلاع می‌رساند: دولت متعهد شده بود که خانه‌های کسائی را که بوسیله هواپیما‌های عراقی منهدم شده بودند بطور کامل باسازی کند اما نتوانست. یکی از همزمان ما در بر و جردا اطلاع داده‌ما حالا فقط بهر ما حقا نه‌ای که خانه‌هاش یکلسی و بران شده ۷۰ هزار تومان بلاعوض و ۴۰۰

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۱

آخرین نمونه‌های تظاهرات موتورسواران حزب الهی در تهران بود. این موتورسواران پس از آن که از این خیابان به آن خیابان رفتند، عربده کشیدند، زنان و دختران را مورد آزار قرار دادند، برای اما مآزوی طول عمر کردند، جنگ را ستودند، صلح را ناسزا گفتند، یک سندیرا شت نیز از وزارت کشور، آری از شخص محتشمی، دریافت داشتند که گفت: "تظاهرات موتورسواران حزب الله علیه بدحجابی با اجازت وزارت کشور بوده است."

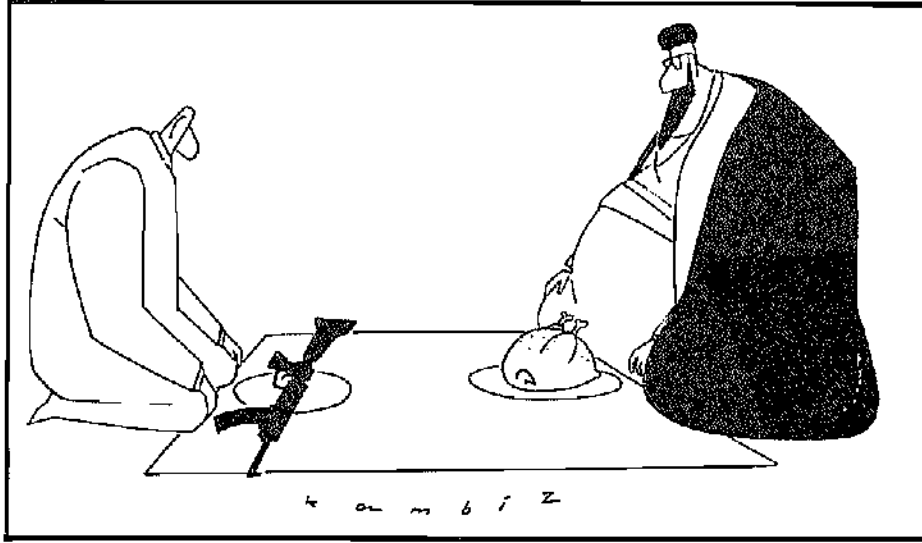
سؤال مردم این است که حزب الله، به عنوان جمعیت یا حزبی که حق داشته باشد به هر منظوری تظاهراتی به راه اندازد در کجا ثبت شده و از کجا اجازت گرفته است؟ حزب الله اینهمه موتورسواران را آورده است؟ چرا غیرتظاراتش پیشا پیش درجاسی منتشر نشد؟ مگر همین محتشمی وزیر کشور و غیرا ز اوسرمداران دیگر رژیم تهران بارها و بارها نگفته و تکرار کرده بودند که از اشدن با اصلاح بدحجاب و امور مربوط به منکرات و مسائل اخلاقی دست، جزو اختیارات مقام های رسمی است؟ پس چرا یک مشت آدمی که هیچ نقش و مقام رسمی ندارند، در اموری که اصلا مربوط به آنها نیست، مداخله می کنند؟ تا موشان حزب الله از آنرودر هیچ جا ثبت نیست، که کسی نتواند از تظاهرات آنها به قانون، به حیثیت و به آبروی مردم به جاسی رسا "شکایت برد، ولی همه می دانند که این موتورسواران حزب الله از کجا می آیند و به وسیله چه مقام های حمایت می شوند.

آقای محتشمی می گوید تظاهرات موتورسواران

انگیزه شمشاد برای حزب الله

سواران علیه بدحجابی با اجازت وزارت کشور بوده است. منظورا و آیا این است که یک عده موتورسوار به وزارت کشور مراجعه

مأ موران انتظار می قرار داشته باشد. از آقای محتشمی وزیر کشور رژیم تهران می پرسیم که آیا این شرایط برآستی



ده که تظاهرات موتورسواران با اجازت قبلی وزارت کشور بوده است؟ مسلمانان چنین نیست، آنان قبلا تظاهرات می کنند و بعدا اجازت را از وزارت کشور می گیرند.

در آن روزها شی که برخی نما بندگان مجلس شورای اسلامی هنوز جرایم تندی دادند و می توانستند وزیران خمینی را مورد سؤال قرار دهند، از همین وزیر کشور سؤال شد چرا یک مشت آدم تان شنا در صفها به مطب پزشکان ریختند، پزشکان را کتک زدند، اثا شه مطب آنها را بهم ریختند، دروینجره را شکستند و رفتند. می دانید وزیر کشور چه پاسخی داد؟ با کمال بروشی گفت که وزارت کشور هیچ وظیفه ای ندارد که از فساد انقلاب در برابر فوران خشم حزب الله دفاع کند چنین صحنه ها شی دوباره، این بار در تهران، تکرار شده است. حزب الله به خشم می آید، آبروی مردم بر خاک می ریزد، و وزیر کشور، پس از وقوع حادثه، برای این کار جواز صادر می کند.

در جمهوری اسلامی، به گفته صریح وزیر کشور، فقط حزب الله از امنیت و آزادی عمل برخوردار است، بقیه مردم در شمار شهروندان درجه دوم اند.

همه بهمان عزیزا
هر روز طبق خبری خدمت مقامیت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهند. شماره تلفن خبری ۱۹۶ دسامبر ۴۶

۴۵-۹۰-۴۵۵ یاری

کردند و به سادگی گفتند که می خواهند علیه بدحجابی تظاهرات کنند؟ برآستی که فقط بروشی و دروغگوئی وزیر کشور جمهوری اسلامی است که می تواند از بسی آبروی حزب الهی های موتورسوار سابق بگیرد، تظاهرات مطابق قوانین کذاسی همین رژیم، نه تنها با اجازت قبلی باشد، بلکه شعاری آن باید معلوم باشد، مسیرا هیما شی شرکت کنندگان در آن یا محل اجتماع پیمان باید از قبل مشخص باشد، وزیر نظارت

برآ آورده شد؟ یعنی موتورسواران به او گفتند در کجا جمع خواهند شد، از کجا حرکت خواهند کرد، کدام مسیر را خواهند پیمود و چه شعاری خواهند داد؟ محتشمی، وزیر دروغگوئی رژیم دروغگو، آبا می تواند سرش را با لایقگیر دوبه این برش ها پاسخ های قانع کننده ای بدهد؟ آبا هنوز در این مجلس اخته شده رژیم تهران آدمی دارای یک جوشرف و شجاعت مانده است که به ریزد و از وزیر کشور بخوابد که سنا دقانع کننده ای ارائه

صادق هدایت

شیفته تمدن و فرهنگ و ملیت ایران

روشن زندگی آزادانه در کشوری مرفه و آباد را همنمون شود. اوج شکوفایی احساسات ملی وی در سال های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ بود. همان دوران که آثار بی گمانه آثاری مانند "پروین دختر ساسان" و "ما زیار و آتش پرست" از یک سسوی و داستان های چون "محلل"، "مرد خورده"، "طلب آموزش" و "علوی خا نم" از قلم وی تراوش می کرد. در همان حال نیز به ستایش مردم ما ده، کسانیکه در دستگا دیوا نیان با دین فروشان درس ریا و تزویر و نادرستی و مردم فریبی نخواهند انده اند و به قول حافظ از ایشان "بجز کجایت میروقا چیزی نمی توان پرسید می برداخت". "داش اکل نمونه" این گونه قهرمان ها ست و "میرزا حسینعلی قهرمان داستان کوتاه "مردی که نفسش را کشت" از کسانیکه برگزیده شده که با وجود داشتن وسایل ولوازم چپاول و غارت و میکیدن خون خلق، همچنان پاک و مجرد می مانند. داستان ها و آثار هدایت از تنوعی بی مانند برخوردار است و همواره هرزل وطنزی گزنده و نشیخندی تلخ در طی آن ها بر لبان نویسنده دیده می شود. اما در این مختصر مجال پرداختن به تمام این جنبه ها نیست. این حکایت را بیاید فتری.

بنده، خردجال و نمک ترکی، "حاجی آقا" و "توب مرواری" حاصل روح امید است که در کالبدی دمیده پس از وقایع سوم شهریور ۱۳۲۰، و وزیدن مخته رسیسم آزادی در افاق سی ایران، هدایت جاسی تازه گرفت و از افسردگی و ملالتی که نتیجه روزگارنا مساعده گذشته

جوانان هدایت را شناختند تا مدتی نزدیک به زندگانی دوشنل، هرکس در این راه قلم به دست می گرفت، هیچ سرشقی، هیچ پیش رو پیش کسوتی جز هدایت نمی دید، و هیچ راهی جز همان که او نشان داده بودنی شناخت و اکنون کوتاه زمانی است که راه های تازه ای نیز در برابر داستان نویسی معاصر ایران گشوده شده است، گوا این که روش هدایت هنوز به قوت و اعتبار خود باقی است.

اما امروز، در این روزگار رتیره، در این دوران وانفاسی سلطه دیودروغ و هریمین فساد و نادرستی و خبرچینی و سنگدلی و بی گداری، مردم ایران برای راه های زاینی فرقا ب جور و ستمی که در آن دست و پا می زنجند به روش نگارش هدایت محتاج نیستند. به روش زندگی او، به سلوک او، به پاک دلی و مهربانی و ایران دوستی و وطن خواهی او و نیا زدا رند، سعادت فردای مردم کشور ما در گرو آن است که آنچه هدایت دوست می داشت دوست بداریم و با آنچه وی دشمن بود ما نیز دشمن با شیسیم و در ریشه کن کردن آن بکوشیم.

بندهن کتابی است دینی و تاریخی به زبان پهلوی و از کتاب های بسیار مهمی است که در این زبان باقی مانده و به دست ما رسیده است. دارای حدود ۱۳۰۰۰ کلمه است و مطالبی در باره خلقت و بعضی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی در بردارد، بخصوص فصل های سی و یکم آن در باره نواحی مهم ایران شهر (کشور ایران) که مرکز دوره تاریخ داستانی ایران را تا پایان دوره ساسانی به دست می دهد و دارای اهمیت ویژه است و فصل سی و پنجم که در باره اصل و نسب شاهان کیانی است. بندهن بارها به زبان های فرانسوی، انگلیسی و آلمانی ترجمه شده و انتشار یافته است. در زبان فارسی نیز چندین ترجمه آن در دست است.

بودید آمد. "آب زندگی"، "ولنگاری" با قضیه های زیر شده بود، اما به زودی این امیدواری ها نیز جای خود را به نومیدی داد. با ردیگر دیوا استبداد دیرکشور با به گسترده ونفس ها در سینه ها حبس شد، این بار دیگر رفته طاققت هدایت، که از آغاز نیز بر شرحا سیت فراوان، چندبارتا مرز گسستگی رفته بود، یک بار از هم گسست، تا جاسی که آخرین آثار وی را که پدید آورده بود از میان بردود و رفتی که به پاریس کرده بود، دورا زوطن به زندگی خود باقی ماند.

وقتی هدایت برای نوشتن قلم به دست گرفت، همان آثار وی را که بارها و بارها در ده ها هزار نسخه انتشار یافته و بنا بر خود را ما حب آلف و لوف کرده است، از بودجه ضعیف خویش در سیمد نسخه چاپ می کرد، و بخشی از نسخه های آن را به دوستان خود، کسانیکه می دانستند اهلیت خواندن آن را دارنده هدیه می کرد. در آن زمان بسیار گمان، حتی بعضی اقرا داخا نشان او را جاسی نمسی گرفتند و گمان می بردند که کسانیکه به جای استفاده از نفوذ خانوادگی و رسیدن به مقام های عالی وزارت و کالت صحتا شام در میدان کاه فروشها و کاروانسرای تزیینی ها و قهوه خانه سنگ تراش ها پرسه می زند حتما عقلش با ره سنگ می برد. حتی پس از مرگ او نیز بعضی از صاحب منصبان و امیران منسوب به خاندان او که می دیدند مردم تهران، کسانیکه با فرهنگ و ادب سروکار دارند، در تالار فرهنگ مجلس یا دیودی در کمال آبرومندی برای او برپا کرده اند، در شگفت می شدند و با ورنمی کردند هدایت در جا معه روشن فکران ایران چنین مقامی داشته باشد. امروز آن بنا ها که هدایت نخستین سنگ های آن را بر جای گذاشته و با به ریزی کرده است - اگر حوادث روزگار بگذارد - به کاخی بلند تبدیل خواهد شد. او بنیان گذار بسیار مسایل در ایران است که یکی از آن ها توجه به آداب و رسوم مردم و زندگانی و اعتقادات ایسان و ثبت آن به طریق عملی است. در راه داستان نویسی جدید در ایران نیز، اگر چه جمالی زاده نخستین کارا برداشت، اما از روزی که مردم، و خاصه

تعصب مذهبی، موج خیز خطر

بقیه از صفحه ۱

دانش آموزان و دانشجویان فرانسوی، تعصب و نفرت مذهبی را هراس انگیزترین خشونت بشری توصیف کرده اند. چنین به نظر می رسد که وضعیت هراس و خبرهایی که همه روزه آژیه های ما می رسد و سخنانی که هر روزه از زبان بنیادگرایان می شنویم، به دانش آموزان و دانشجویان فرانسوی حق می دهد. مردی به نام خمینی، لحظه ای نیست که سه واژه های جنک و جهاد از زبانش بیفتد. تروریست هایی، خود، خوبست را "دیوانگان خدا" می نامند و تظاهرات کنندگانی که برده های آورده و زنجیر گسسته، به نام بگ کتاب مقدس برآوردند که جامه های امروزین را با ما هم می اغمازکنند. این ها همه نشانها بی ست که بی سرور مگرونان، سرانجام، اذنان را آگاه ساخته است که نقطه بیداری خطر، تنها و تنها، تعصب مذهبی ست. این خطر، جامه بی به نام اسلام پرستی پوشیده است، به کلام دیگر، روایتی از اسلام که به تاریخ اندلسانه ترین، کوردلانترین و تعصب بارترین وحدانیان

شده است.

بنیادگرایان تونس، و اسپرگرایان لبنان و تروریست هایی که درباریس گرفتار آمده اند، درحقیقت، بیرق اسلام را برکردر می چرخانند و این، بیرق بیابا مبری ست که زنده نیست تا در برابر جنایت هایی که سه ناموی مرتکب می شوند، با ننگ اعراض برآورد. این بیرق، کارها را آسان می کند، زیرا به واسطه گرایان اسلامی مجال می دهد که نفرت های سیاه و کین های جرکین خود را در لابلای جین های آن سنان کنند و همین جا بگویم که اس کینه ها و نفرت ها اندک ریطی به اسلام ندارد. از این روست که با ییدربرای این تحریک تدریجی که می خواهد مذهبی خاص را به بدترین جنبه های توحش بشری گره بزند، ایستادگی کرد و بیست زهمه، بر خود رهبران اسلام است که بگویند در کجا مذهب یا این می پذیرد و از کجا بهره برداری از مذهب آغاز می شود.

بنواریکی، از لوماتن، چاپ پاریس ۲۵ و ۲۶ آوریل ۱۹۸۷

تونس در خطر و اسپرگرایان مذهبی

عملی تحریک آمیز محسوب میشود. بنیادگرایان اسلامی در نظر دارند از ایام ماه رمضان بهره برداری تبلیغاتی کنند و دولت را متهم سازند که طرفداران با زکشت به ارزش های واقعی اسلامی را مورد فشار قرار میدهد. بدون تردید این آزمایش با ردیگر نفوذنا بیننده بنیادگرایان را در تونس، مثل بسیاری از دیگر کشورهای عرب نشان خواهد داد. گذشت آن زمانی که بورقیبه طرفدار حکومت لائیک، در ماه رمضان، در تلویزیون آب میوه می نوشید و توصیه میکرد که مردم روزه نگیرند، اما بورقیبه حتی اگر نتواند تسلط مذهب را بر مردم از بین ببرد، مصمم است که بنیادگرایان یا نیروی واقعی مخالف خود را درهم شکند. راشد غنوشی، اهل الحقا واقع در جنوب تونس است و فلسفه و کارشنا س فقه اسلامی زندانی دست و پا گیری است. جنبش اسلامی او که هیچگاه قانونی اعلام نشد اما تا همین ماه های اخیر وجودش تحمل میشد بیش از ده هزار بربرودا رده عملا" دانشگای تونس را بعد از درگیری با ماکسیست ها، در دست داد. راشد غنوشی - که محاکمه و از روزه دوشنبه ۲۵ آوریل آغاز شد - متهم است که به قصد برپائی حکومتی از روی الگویی جمهوری اسلامی ایران، شبکه ای خمینی-گرا تشکیل داده است. برزیدنت بورقیبه با زداشت عتروست توتسی طرفدار جمهوری اسلامی را در پاریس تاء شیدی برای موضوع دانست

ترتیب دهندگان تظاهرات تحریک آمیز عصر پنجشنبه ۲۳ آوریل در مرکز تونس چه کسانی بودند؟ آیا بنیادگرایان با بسیج مکرر هواداران خود قصد دارند به رژیم بورقیبه پنجه درآیند؟ روزنامه های تونس، روز جمعه ۲۴ آوریل این تظاهرات را "قدا میرنا مریزی شده" گروه های خمینی گرا دانستند و آن را محکوم کردند. بهر روی، بی پروائی بنیادگرایان، تونس را به شگفتی انداخت، جوانان، که بیشتر آنها دانشجوی بودند، بطور همزمان، از چند محله تونس برای راه افتادند و در دروازه پایتخت گرد هم آمدند. شما را تنها به حدود هزار تن می رسید، بر سر راه خود اعلامیه هایی علیه "بی عدالتی، اختناق و ظلم" به همراه گل و عکس های "راشد غنوشی" رئیس جنبش اسلامی بخش می کردند که از ۹ مارس گذشته - ۱۹۸۷ سفند در زندان بسر می برد. با مداخله پلیس حدود ده ویست تظاهرات کننده بجای ماندند و بقیه در کوچیه و خیابان های اطراف اجرا کننده شدند. درگیری ها کوتاه بود و طی آن به ۵ اتوموبیل پلیس آسیب رسید، دو پلیس زخمی شدند و عده ای دستگیر گردیدند. با وجود محدود بودن درگیری ها، مهم آن بود که بنیادگرایان با جهره آشکار به خیابان ها ریختند با آن که میدادستند عمل آنها از نظر دولت و به ویژه برزیدنت بورقیبه که طرفدار ما کمه راشد غنوشی و دیگر رهبران "گوردلی مذهبی" است

جهش سرسام آور تورم در ایران

از گروه خبری نهضت مقاومت ملی ایران

بقیه از صفحه ۳

افول قدرت سیاسی وی صحت ندارد در روز مبعث می رود و با لکن حسینیه جماران و بنل صدلی اما می نشیند که صد لیتسه م ردم با هوش اولاً متوجه شدند که آقای رفسنجانی به چه مناسبت پای میز نشست بود و ثانیاً "فهمیدند که جمهوری اسلامی دیگر آن جمهوری قدر قدرت نیست که بیمی به خود را هندهد و به افکار عمومی بی اعتنا باشد. ما برای تظاهرات چند نوبتی موتور سواران حزب الهی بسا شعرا: اما ما مدام را بیخشا - حکایت شکست کامل رژیم در ادا مسسه - جنگ بیهوده است که تصور می کند اگر شما می کنید سقوط می کند. لازم نمی بینیم در اینجا به مشکلاتی که رژیم در راه با جنگ دارد اشاره ای نکنیم که خود دنیا زبه یک گزارش جداگانه اشاره ای ما تمام کردن جنگ حتی آنطور که جمهوری اسلامی تصور می کند دشوار و غیر ممکن است. در هر ده و شهرستانی قبرستان بی انتها بی از کشتگان جنگ بخاطر رسیدن به کر بلا بریا کرده اند و هزاران بیدختی دیگر به این ملت تحمیل نموده اند که لاچنگ را بدون صرف کر بلا بریا بی برسانند؟ در مورد شخص خمینی وضع مزاجی وی علیرغم اینکه در یکماه و نیم اخیر به بار دریا لکن جماران سخنرانی داشته است طبق اطلاع دقیقی که بدست آورده ام وضع مزاجی خمینی مطلقاً "راضیت بخش نیست. خمینی نسبت به آغاز سال ۱۳۶۵ یعنی پانزده تا بیست کیلو وزن کم کرده است و حسابیت های او به جای رسیده که بیشتر اوقات از دستکش طبی استفاده می کند و شاید به همین دلیل مجدداً "منتظری را علم کرده و هر هفته خبر عکس از وی چاپ می شود. اگر چه در مراسم سال تحویل از وی بیامی بخش نشده همچنانکه زرفسنجانی طرح ادغام شهرستانی، ژاندارمیری و کمیته ها تهیه شده و وی آن محرمانه کار میشود. خط اصلی، تمرکز هر سه واحد در وزارت کشور و ایجاد دعوت انتظالی در این وزارتخانه می باشد و نیروی غالب در ادغام کمیته ها هستند و هم اکنون صحبت از این است که در مرحله اول راهنمایی و رانندگی به کمیته ها واگذار شود.

هزار تومان وام بانکی می دهد، حساب کنید تا رفتای مردم بر وجه و بقیه شهرها به کجا می کشد. دولت در برداخت حقوق برستی با مشکل روبروست، بسیاری از اذرات یا در آخرین روزا سفند پرداخت کردند و بعد از تعطیلات، با نگاه در ایام عید قدا در به برداخت چک های از یکمدهزار تومان به بالا نبودند و خودشان درگیری های نامطلوبی در محوطه های با نگاه بود. طبیعی است که فشارهای اقتصادی، بحران جنگی در کل سیستم اثرات وخیمی می گذارد و روز بروز ایمان و اعتقاد مردم را به این حکومت خسون و خرابی و گرانای کمتری کند. قرار رسید شما مدام و طلبان سپاه مهدی تنها روز ۲۸ سفند به جبهه ها بروند اما این برناممه در اکثر استانها به بعد از تعطیلات عید موکول شده مطمئناً "در یک تمیم - گیری جنگی فاجعه بار است و حکایت از نفرت مردم از جنگ و عدم کارآیی سازمان های دولتی است که هیچکدام خط یکدیگر را نمی خوانند. احکام غیر قابل برگشت دیوان عدالت اداری رسماً از سوی دولت به بهانه تحقیق بیشتر با یکوت میشود. شورای عالی قضایی از اینکه دولت به مصوبه های اشاعتنا بی بندار دشمنان است و برابردولت ایستاده تا جاسی که خمینی ناچار به مداخله شد و علناً "ز شورا خواست مقابل دولت نا ایستد، آقای خامنه ای اخیراً "علناً از نحوه کار دولت ابراز نارضندی می کند. آقای هاشمی رفسنجانی با سلام و صلوات آقای فردوست را به تلویزیون می برد و با عنوان "جناب فردوست" مورد سؤال قرار می دهد و در برابر روزنامه جمهوری اسلامی فریاد دسرمی دهده که: جناب فردوست یعنی چه؟ و تلویزیونی فردوست نتیجه عکس می دهد چون ایشان با ذکر سابق تحمیلی و شمردن کمک های بی حساب به قول خودش رضا خان و محمد رضا بصورت مظهر و سمبل کسی در آمد که شک خورد و نمکدان شکست. هم اکنون با سند خامنه ای در ادبیات تلویزیون تلاش گسترده ای برای برکناری برادر رفسنجانی آغاز کرده اند و رفسنجانی برای اینکه قدرت خود را به رخ مخالفین بکشد و به مردم بگوید که هنوز در اوج قدرت است و شایعه

وبلافا مله روز ۲۶ مارس، روابط سیاسی خود را با تهران قطع کرد. تظاهرات روز پنجشنبه ۲۳ آوریل در تونس دقیقاً نخستین تظاهرات از قطع این روابط بود. در تونس شایع است که برزیدنت بورقیبه با اعدام "راشد غنوشی" مخالفتی ندارد. بنیادگرایان گمان میکنند به خوبی برای آشوب افکنی به دست آورده اند. بخصوص که هر چه رژیم را تضعیف کند به نفع آنهاست. مثلاً گمان می رود که بنیادگرایان در ژانویه ۸۴، نبوه مردم ناراضی را در تظاهراتی که به علت

افزایش بهای ارزاق عمومی صورت گرفت، تحریک کرده باشند. "شهادت" راشد غنوشی میخوانند انفجارهای جدیدی بوجود آورده و چنانچه به مجازات سبکی محکوم شود، ممکن است این تصور پیش آید که دولت در مقابل مخالفان کوتاه آمده است. بنظر رسمی رسیده که این گروه ها و نمایان در انتظارات مرکز بورقیبه، بنیادگرا جمهوری تونس هستند تا از بی ثباتی احتمالی آینده بهره برداری کنند.

بقیه از صفحه ۱

آزادی زنان ازین جمله است. آخوندهای قشری هیچگاه اصل آزادی زن را نپذیرفته اند و بدین منطق تن نمی دهند که زن ایرانی نمی تواند خارج از دایره تحولات دنیا، همان زن سیدمال و یا تصدال پیش باقی بماند. مطابق عقیده آن ها زن جای درجا معنی نیست. زن وظیفه اش منحصر است به شوهر کردن و بچه آوردن و آشپزی و خانه داری. اما زن اینکه زن عصر صفوی یا تندی عصر پهلوی یا عصر خمینی.

بنا بر همین اعتقاد، هر زمان آخوندهای قشری قدرتی پیدا کرده اند و لیکن کارشان این بوده است که زن هارا محدود کنند و به قول مرحوم فرا مرزی به هیئت با دنیا در آورند.

در سالهای بعد از شهریور، هنگامی که اصلاح طلبان و روشنفکران ایرانی سعی داشتند فضای جدید برای اشاعه آزادی و تقویت دموکراسی استفا دهند، آخوندها هم طبق معمول خر خودشان را میراندند و سعی داشتند با اغتنام فرصت آشوب عهد تجدد، خصوصاً آزادی زنان را از بین ببرند.

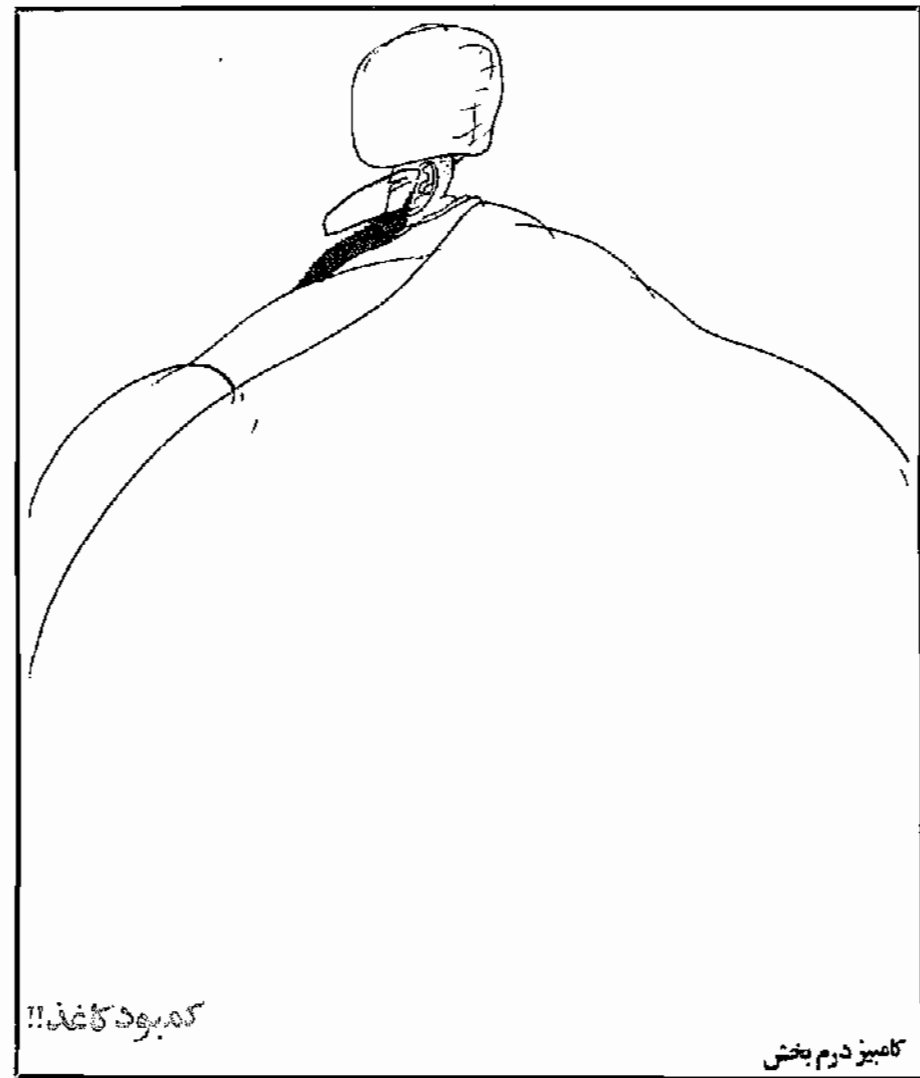
مرحوم فرا مرزی مدیر کیهان در آن سالها، یعنی دقیقاً "در شهریور ما ۱۳۲۱" - مقاله ای نوشته بود به این مضمون که شب از کوچه میگذشتم، ناگهان دو با دنیا بزرگ سیاه که پا شان بر زمین و سرشان تا نزدیکی های تیر چراغ برق بودند زود پدید شدند، فکر کردم خدا یا نصف شب و با دنیا؟ با دنیا که به این مهیبی نیست، بعلاوه با دنیا که راه نمیرود، از ترس بر جا خشک شدم. مطمئن نبودم چهار و هم شده ام یا واقعا "دو با دنیا" بزرگ متحرک به سمت من می آیند. خلاصه آمدند و آمدند تا نزدیک من رسیدند و دیدم این با دنیا ها علاوه بر اینکه راه میروند حرف هم میزنند، آن هم بزبان فارسی، معلوم شد که خیر، اینها با دنیا نیستند و آدمند، یعنی دونفر زن که بر اثر هیا هوی آخوندی دوباره به حجاب برگشته اند.

دنیا له این داستان را بهتر است از زبان خود فرا مرزی بشنوید. مینویسد: "این دو نفر زن از سرتا پایا ه بودند و اگر حرف نمی زدند ممکن نبود من بفهمم که واقعا "آدم هستند و ترس و وحشت بگذارد از جای خود حرکت کنم. سلما نی اینطور است؟ البته ما اهل فتوی و اجتهاد نیستیم ولی

زن ایرانی، وجه انحصاری رژیم

چون خود مسلمان و زائیده خانواد مسلمان و سالیان دراز در مدارس اسلامی درس داده ایم اینگونه هیکل ها را جزو شروط اسلام ندیده و نشنیده ایم. اما تاریخ اسلام و تاریخ زن در اسلام را زیاد مطالعه

نمودم و دیدم که زن و بد رفتاری با آن ها از طرف رژیم فعلی، در نفس امر تا زگی ندارد و تعجبی هم ندارد. حرف در اینست که چرا شل و سفت میکنند. اگر رژیم توطئه بزند و بکشید با توان و سلب حقوق



کرده ایم ولی هیچ نشانی از آن نیست که زنان حضرت رسول یا هیچ یک از ائمه بشکلی درمی آمدند که مردم را از ترس مردم بدهند!

این مقاله چهل و پنج سال پیش نوشته شده است. آن روز چون قدرت مطلق در دست آخوندها نبود و نویسندگان و متفکران و آزادیخواهان و اصلاح طلبان و طرفداران تجدد و تحول و بالاتر از همه خود زن ها مجال اظهار عقیده و اظهار وجود داشتند شاد و جمله آزادی زنان.

ملوا قالله علیه را بخواب دیدم. فرمود از قول من به پادشاه بگو شراب کمتر بخورد. شاه گفت قطعا " دروغ میگوئی چون بیخبر هرگز نمی گوید شراب کمتر بخورد. اگر گفته بودی بیخبر فرمود بفلانی بگو شراب بخورد ممکن بود حرفت را باور کنند ولی بیخبر چگونه ممکن است فعل حرام را بشرط زیاد و کمش تجویز کند؟! "

دین برای آخوندها بی که برایشان حکومت می کنند یک دکان است و به اقتضای فصل، کالاهای این دکان را کم و زیاد می کنند.

آن روزی که به قصد نزدیک شدن به غرب، مشغول زدوبندهای زیر جلی میشوند، برای آنکه ثابت کنند درون رژیم جناح متعادل هم وجود دارد و این جناح اگر تقویت شود میتواند جلوی تند رویها را در داخل و خارج بگیرد به عمالشان اشاره میکنند که در بعضی امور، مثل همین شدت عمل نسبت به زن ها و فشار بر اقلیت های مذهبی کوتاه بیایند. اینست که می بینید اوضاع تا حدودی رنگ تعدیل بخود می گیرد.

یک روزی بعکس، میخواستند نشان بدهند که گروههای افراطی قوت گرفته اند و خطر آن هست که جناح معتدل جذب شود و امکان ارتباط با غرب بطور کلی از بین برود، آن وقت برای ترساندن غرب، تسهیل را نل و چندان لاله و امثالهم را شل می کنند تا وحشیگری و وحشت آفرینی کنند. این یک دلیل است. دلیل دیگرش انصاف افکار عمومی از مسائل اساسی به مسائل فرعی است. الان رژیم زهر لحاظ خود را در تنگنا می یابد. ناگامی در جنگ، رسوایی در ارتباطات و زدوبندهای خارجی، افشای دستها، سندیها و اختلافات داخلی، تابساننیهای اتمامی و مخصوصاً " قضیه شیدمالی رژیم را آنچنان آسیب پذیر ساخته است که از کمترین حرکت مردمی، بهر شکل و بهر عنوان، وحشت دارد. بنا بر این میخواست مردم را به مسائل فرعی از قبیل همبستن مسأله حجاب سرگرم کند و از توجه به مسائل مهم روزها جدا کند.

تضیه فقط همین است و لاجری در دوران ملاها قرمجلسی و ملا احمد نراقی و ملا جعفر نجفی هم مرسوم نبود که زیر پیراهن زن ها را تفتیش کنند و ببینند تنبانیکه پوشیده اند چه رنگ است و از چه پارچه ای است!

تا سیات نختی کویت در تیررس جمهوری اسلامی قرار داد. به گفته ناظران سیاسی تهدیدهای علنی مقامات تهران جای هیچ تردیدی باقی نمیگذارد که سوء قصد دبیروزگار و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

انفجار در کویت

خبرگزاری رسمی کویت اعلام کرده است که عصر روز یکشنبه ۲۶ آوریل در ساعت ۱۶/۵۰ دقیقه به وقت محلی، یک اتوموبیل حاوی مواد منفجره، در مقابل ساختمان اصلی شرکت نفت کویت، در مینا الاحمدی واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی پایتخت این کشور منفجر شد، که خوشبختانه تلفات جانی بسیار نداشت.

بنا بر این گزارش، سازمان امنیت کویت، بلافاصله بعد از وقوع سوء قصد، تحقیقات پیگیری را برای کشف عاملین آن آغاز کرده است.

کویت برای حمل نفت خود سه نفتکش از سکوا جا ره کرده و در مددا نجا مطالعه مشایبی با ایالات متحده آمریکا است. این تدبیر که بخاطر تأمین امنیت جریان صدور نفت کویت اتخاذ کرده سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را سخت خشمگین ساخته است. روز جمعه گذشته ۲۴ آوریل سیدعلی خامنه ای رئیس جمهوری رژیم خمینی علناً "کویت را تهدید به عملیات تروریستی کرد، وی گفت: "تمام

از سوی دیگر خبرگزاری فرانسه گزارش داده است که خیرا "بدنبال تیره شدن روابط بین تهران و کویت مقامات کویتی از مردم تقاضا کردند که از نزدیک شدن به پایگاه ها و تاسیسات نفتی این کشور خودداری کنند، هندا دولت کویت به مردم در پی تصمیم این دولت مبنی بر ارجا ره کردن نفت کشتیهای خارجی صورت گرفته است. این خبرگزاری با داور شده است که دولت

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد